

مقاله پژوهشی:

بررسی تطبیقی حکمرانی مطلوب در علوم سیاسی، دیدگاه غرب و اسلام

مهدی دریابیگی سلیمی^۱، بهناز اژدری^۲، علی رحیمی صادق^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

چکیده

امروزه شناخت حکمرانی مطلوب و شناسایی و تبیین ویژگی‌ها و مولفه‌های اساسی آن از مهم‌ترین موضوعات و مباحث حوزه علوم سیاسی در تمامی مکاتب تلقی می‌شود در همین راستا تحقیق حاضر به بررسی تطبیقی مفهوم حکمرانی مطلوب در علوم سیاسی، دیدگاه غرب و اسلام پرداخته است. روش این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که در آن از روش کتابخانه و با استفاده از تکنیک فیش برداری از کتب، مقالات و سایر منابع علمی انجام گرفته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که الگوی اسلام در خصوص موضوع حکمرانی مطلوب تمامی مولفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران غرب و از جمله الگو ارائه شده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی (۲۰۰۷) را در خود جای داده است. علاوه بر آن حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام دارای مولفه‌های دیگری همچون (توحید و معنویت، رشد اخلاقی و تقوا در جامعه برپایه شریعت اسلامی و تحقق احکام اسلامی، تقویت توان نظامی و ایجاد نظم و امنیت، مردم‌گرایی و احترام به مردم، پاسداری از حقوق مردم و تضمین آزادی‌های مشروع آنان، تاکید برحق حاکمیت و پذیرش حق مردم در قالب جمهوریت و مردم‌سالاری، توجه به آسایش و رفاه اقتصادی و تامین نیازهای مادی مردم و انجام اصلاحات فرهنگی) نیز است. پس می‌توان گفت که الگوی اسلامی حکمرانی مطلوب به لحاظ مولفه‌ها و شاخص‌ها از جامعیت بیشتری برخوردار است. در دیدگاه پارادایم غرب و اندیشمندان غربی با رویکردی صرفاً انسان محور اما در پارادایم اسلام با نگاهی خدامحور و توحیدی روبرو می‌باشیم در نگاه اسلام، حکمرانی وسیله‌ای است برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی، بنابراین، عهده‌دار شدن حکومت در ذات خود مقامی نیست؛ اما در نگاه غربی هدف حکمرانی خوب به معنای توسعه، به‌ویژه در بُعد اقتصادی و مادی است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، حکمرانی مطلوب، غرب، اسلام.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه:

b_azhdari944@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

مقدمه

در سال‌های اخیر و با تغییرات سریع دولت و فرآیند حکمرانی و مدیریت در ادبیات مدیریتی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی، مفهوم "حکمرانی خوب"^۱ کاربرد بسیاری یافته است. بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان در آثار خود به تحلیل مفهوم، آثار، نتایج، شاخصه‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی خوب پرداخته‌اند. اما اینکه تعاریف، ابعاد و شاخص‌ها و الگوهای غربی ارائه شده در خصوص حکمرانی مطلوب تا چه اندازه با ویژگی‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی، عقیدتی و... حاکم بر سایر کشورها از جمله کشورهای اسلامی و به‌خصوص ایران اسلامی و تعاریف، ابعاد، شاخص‌ها و الگوی اسلامی و بومی حکمرانی مطلوب اسلامی مطابقت دارد، دغدغه‌ای مهم و اساسی است که ذهن بسیاری از محققان و پژوهشگران را به خود معطوف داشته است؛ به‌گونه‌ای که ارگان‌های رسمی سازمان ملل متحد همانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز به ارائه تعاریف و معیارهایی از این مفهوم نوین برای طبقه‌بندی کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای جهان سوم اشاره داشته و گذار از وضعیت عقب‌ماندگی به توسعه و پیشرفت را از این مسیر دانسته‌اند.

با وجود واکنش‌های مثبت و یا منفی مختلفی که در خصوص ایده حکمرانی مطلوب از سوی اندیشمندان و سیاست‌مداران در مناطق و کشورهای مختلف جهان مطرح شده است در همین راستا آنچه که همه بر آن اتفاق نظر دارند و با عنایت به پذیرش اصل ایده حکمرانی مطلوب به‌عنوان چشم‌انداز و هدفی راهبردی در حوزه مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی جامعه و دستیابی به الگوهای حکمرانی مطلوب مبتنی بر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی حاکم بر جوامع کشور مختلف است؛ به بیان دیگر به‌نوعی موضوع بومی‌سازی مفهوم حکمرانی مطلوب از حیث مولفه‌ها، ابعاد و شاخص‌ها در جوامع مختلف و در عین حال منطبق بودن آن با مبانی و موازین حقوق بشر در عرصه بین‌المللی مسئله و چالشی مهم در حوزه علوم سیاسی و در عرصه ادبیات مدیریت سیاسی است که پیش روی پژوهشگران و اندیشمندان و سیاست‌مداران و نخبگان فکری جوامع در مناطق مختلف جهان است. از سوی نظام جمهوری اسلامی و با توجه به آنچه که ذکر شد و با عنایت به اهمیت موضوع حکمرانی مطلوب و ضرورت بومی‌سازی و تبیین و تدوین الگوی حکمرانی مطلوب با توجه به ساختارهای

اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی و در عین حال منطبق و هسمو بودن آن با مبانی و موازین حقوق بشر در عرصه بین‌المللی، هدف از انجام این پژوهش و نگارش مقاله حاضر، بررسی تطبیقی مفهوم، مولفه‌ها و ابعاد الگوی حکمرانی مطلوب در علوم سیاسی، دیدگاه غرب و اسلام و پاسخگویی به این سؤال است که وجوه تشابه و اختلاف مفهوم حکمرانی مطلوب در تعاریف، مولفه‌ها، ابعاد و شاخص‌ها از دیدگاه غرب و اسلام چیست؟ و الگوی بومی ایرانی اسلامی حکمرانی مطلوب متناسب با ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی چگونه الگویی است؟

روش تحقیق

این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی است که در آن از روش کتابخانه و با استفاده از تکنیک فیش‌برداری از کتب، مقالات و سایر منابع علمی از یک سو، نظریه‌ها، رویکردها و اندیشه‌های سیاسی دانشمندان غربی و سازمان‌های بین‌المللی در حوزه حکمرانی مطلوب و از سوی دیگر، دیدگاه قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، امام خمینی (ره) و دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام‌خامنه‌ای در زمینه حکمرانی مطلوب مورد واکاوری گرفته و در مرحله بعد بر اساس فیش‌های جمع‌آوری شده مفهوم حکمرانی مطلوب و مولفه‌ها و ابعاد آن از دیدگاه دو پارادایم غرب با مقایسه تطبیقی و اسلام مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

حکمرانی مطلوب از دیدگاه غرب

باوجود ریشه تاریخی واژه حکمرانی (که قدمتی به درازای عمر بشریت دارد)، از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی (KUBERNAN) به معنای هدایت یا اداره کردن برمی‌گردد که توسط افلاطون در ارتباط با نحوه طراحی نظام حکومتی مورد استفاده قرار گرفته است (بیور، ۱۳۹۸: ۴۱). اصطلاح "حکمرانی خوب" به‌عنوان پارادایمی نوین در علوم انسانی، حد واصل و نقطه تلاقی حوزه‌های سیاست، اقتصاد، علوم اجتماعی، مدیریت، حقوق و... است. این اصطلاح را برای نخستین بار ویلیام سون^۱ (۱۹۷۹) در ادبیات اقتصادی به‌کار برد و پس از آن به‌تدریج در میان اندیشمندان حوزه‌های مختلف و به‌ویژه در حوزه علوم سیاسی رواج یافت. این واژه نیز به مثابه سایر اصطلاحات در علوم انسانی دارای تعریف واحدی نبوده و تعاریف گوناگونی از آن ارائه

۱. William son

شده است و لیکن روح حاکم بر همه این تعاریف تا حدودی مشابه و یکسان است و علت تفاوت‌ها نیز ناشی از توجه به ابعاد خاصی از آن است (مقیمی مفرد، ۱۳۹۶: ۲۳). موضوع حکمرانی مطلوب به مفهوم کنونی در سطح بین‌المللی برای اولین بار در سندی از بانک جهانی با عنوان "آفریقای زیر صحرا از بحران تا رشد پایدار" در سال ۱۹۸۹ مطرح شده است. منظور از حکمرانی خوب در این سند، اداره و تنظیم امور کشور و جامعه و رابطه دولت شهروندان بر اساسی دموکراسی (حق انتخاب مردم)، حاکمیت قانون، دستگاه قضایی مؤثر و قوانین عادلانه و همه‌گیر است (کافمن^۱، ۲۰۰۶: ۱۴۹). مفهوم "حکمرانی مطلوب" در عرصه سیاست بین‌الملل به‌نوعی از منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل نشأت گرفته و در سایه حمایت‌های سازمان ملل متحد پرورش یافته است و بر مبنای اصول، مبانی و مولفه‌های حقوق بشر از طریق مصوبات، اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی گوناگون در عرصه سیاست جهانی و روابط بین‌الملل توسعه پیدا کرده است؛ به‌طور مثال در اعلامیه اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ آمده است "دموکراسی، حکمرانی و مدیریت شفاف و پاسخگو در همه بخش‌های جامعه، بنیان حیاتی و ناگزیر برای حقیقت بخشیدن به توسعه پایدار اجتماعی و انسانی است و در همین راستا حکمرانی مطلوب، شرط اساسی دستیابی به اهداف توسعه هزاره است". در این اعلامیه بر ارزش‌های بنیادین در روابط بین‌المللی شامل آزادی، برابری، همبستگی، بردباری، احترام به طبیعت و مسئولیت مشترک تأکید شده و سپس هدف‌های اصلی کشورها در این اعلامیه بیان شده است که یکی از این اهداف حقوق بشر، دموکراسی و حکمرانی خوب است (اعلامیه اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵)^۲.

تعاریف مختلفی در خصوص حکمرانی مطلوب از سوی اندیشمندان علوم سیاسی مطرح شده است. لوئیس فرچه^۳ (۲۰۰۰) معتقد است که حکمرانی مطلوب فرایندی است که از آن طریق مؤسسات، کسب و کارها و گروه‌های شهروندی، علائق خود را آزادانه بیان کرده و درباره حقوق و تعهدات خود اعمال نظر می‌کند و تفاوت‌های خود را تعدیل می‌نمایند (فرچه، ۲۰۰۰: ۶۸-۶۹) وارث^۴ (۲۰۰۱) در خصوص حکمرانی مطلوب می‌نویسد: حکمرانی مطلوب شامل تعاملات بین

۱. Kaufmann

۲. Declaration of the World Summit for Social Development in ۱۹۹۵

۳. Louis Ferche (۲۰۰۰)

۴. verace (۲۰۰۱)

ساختارها، فرایندها و سنت‌هایی می‌شود که نحوه اعمال قدرت، نحوه اتخاذ تصمیمات و نحوه اظهار نظر شهروندان و سایر ذی‌نفعان را مشخص می‌کند؛ وارث بر این باور است که اساسا حکمرانی مطلوب درباره سه موضوع قدرت، روابط و پاسخگویی است (وارث، ۲۰۰۱: ۲۱۴). از نظر کافمن (۲۰۰۱) حکمرانی مطلوب عبارتست از: اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه (کافمن، ۲۰۰۱: ۷۱). داگلاس نورث و رونالد کوز (۲۰۰۱) معتقدند حکمرانی مطلوب عبارت است از: وضع فرایندها، ساختارها و مقررات رسمی و غیررسمی که به تعریف روش‌هایی می‌پردازند که بدان‌وسیله افراد و سازمان‌ها می‌توانند بر تصمیماتی که بر رفاه و کیفیت زندگی آنها تأثیر می‌گذارند، اعمال قدرت کنند. بنابراین از دیدگاه آنان حکمرانی مطلوب، شامل ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت بدون محدود شدن مبادلات بازار است. این شکل از حکمرانی در برگیرنده نظامی قانونی است که با بازار برای بهبود رقابت همکاری می‌کند. حکمرانی مطلوب همچنین به معنی نبود فساد است؛ چرا که فساد می‌تواند موجب تخریب اهداف سیاسی و از بین رفتن مشروعیت نهادهای عمومی حمایت‌کننده از بازار شود (اسمیت^۱، ۱۳۹۹: ۶۹). ویس، تیلور و جیمز گاستو^۲ (۲۰۰۱) در تعریف حکمرانی مطلوب به ویژگی‌هایی نظیر حاکمیت قانون، پاسخگویی و کارایی و... اشاره داشته و معتقدند موضوع مهم در حکمرانی مطلوب بهبود کیفیت و کارایی دولت است؛ به‌گونه‌ای که با در نظر گرفتن تنوع میان افراد، سازمان‌ها و نهادها، پویایی محیط‌ها، فرآیندها و تعاملات میان بازیگران و نهادها، دولت بتواند با عقلانیت و هوشمندی و اتخاذ سیاست‌های مناسب بهترین و مطلوب‌ترین خدمات را به شهروندان ارائه کند (ویس و همکاران ۲۰۰۱: ۵۸). گیلبرت^۳ (۲۰۰۳) کیفیت نهادها در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف را حکمرانی مطلوب می‌داند؛ وی برای بررسی تأثیر کیفیت نهادها بر رشد و توسعه اقتصادی، معتقد است بر اساس الگوی رشد درون‌زا، سیاست آزاد تجاری بر عملکرد اقتصادی تأثیر مثبتی دارد؛ پس کیفیت نهادها به‌عنوان شاخصه اصلی حکمرانی مطلوب تأثیر مثبتی در بهبود توسعه اقتصادی دارد (گیلبرت، ۲۰۰۳: ۵۹). جرالد و سیزر^۴ (۲۰۰۳) معتقدند که حکمرانی مطلوب، کوششی در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری،

۱. Smith

۲. Weiss, Taylor and James Gasteau (۲۰۰۱)

۳. Gilbert (۲۰۰۳)

۴. Gerald and Caesar (۲۰۰۴)

مشارکت، برابری، کارایی، پاسخ‌گویی و دیدگاهی استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری است؛ آنان در خصوص اصل مهم حکمرانی مطلوب بر مبنای همکاری، مشارکت و تعامل سه بخش اصلی جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی اقتصاد و جامعه مدنی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرا تأکید دارند. بنابراین از دیدگاه آنان حکمرانی مطلوب بر شراکت بین سه بخش دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تأکید دارد که به سبب آن مسائل عمومی به شکل صحیح و بهینه اداره خواهد شد و از این رو ارتباط صحیح و تعاملی سه بخش یادشده، زمینه‌ی تحقق حکمرانی مطلوب و یا حداقل قابل قبول را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اداری فراهم می‌کند (جرالد و سیزر، ۲۰۰۳: ۱۲۸). یونسکو^۱ در سال ۲۰۰۴ حکمرانی مطلوب را به معنای سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی می‌داند که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا درمی‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند. همچنین حکمرانی مطلوب را فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند (UNESCO.۲۰۰۴: ۳۱). تعریفی که اتحادیه اروپا در سال (۲۰۰۸) جهت اصطلاح حکمرانی مطلوب بیان می‌کند این است که: حکمرانی خوب، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است (UNDP.۲۰۰۸: ۱۴۱). از نظر بانک جهانی (۲۰۰۷) حکمرانی روشی برای اعمال قدرت برای مدیریت اقتصاد و منابع اجتماعی کشور برای توسعه است (عجم اوغلو، ۱۴۰۱: ۶۲). حکمرانی بر اساس تعریف برنامه توسعه ملل متحد (۲۰۰۸)^۲ اعمال اختیار سیاسی، اقتصادی و اداری برای اداره امور کشور در تمام سطوح است. این اعمال حاکمیت شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن نهادها، شهروندان و گروه‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند، تعهدات شان را برآورده می‌سازند و تفاوت شان را تعدیل می‌کنند (UNDP.۲۰۰۸: ۱۴۳).

با توجه به تعاریفی که از حکمرانی خوب شد، مشخص است که این نوع از حکومت‌داری، دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های خاصی است. اما اندیشمندان توسعه هر کدام صرفاً به جنبه خاصی از آن نگاه کرده و دید جامعی نداشتند؛ اما در مجموع می‌توان گفت با همه تشتهای موجود در ارائه تعاریف از حکمرانی خوب، اما غالب این تعاریف و مفاهیم بر سه حوزه "حکومت"، "جامعه مدنی" و "بخش خصوصی" به‌عنوان طرفین این تعامل در ساختاری موازی و همسو اشتراک نظر

۱. UNESCO

۲. United Nations Development Program (۲۰۰۸)

دارند. در این ساختار حکومت دارای ابعاد سیاسی و حقوقی بوده و مبتنی بر راهبری و تسهیل‌گری امور در رفع نیازها است و بخش خصوصی و جامعه مدنی موازی و همسو با حاکمیت، در قالب تفکر شبکه‌ای، به گونه‌ای منسجم عمل می‌کنند. برآیند و خروجی الگوی حکمرانی خوب، از میان رفتن تفکر عمودی و سلسله‌مراتبی روابط اجتماعی از یکسو و جایگزینی آن با روابط تعاملی و هوشمندانه از سوی دیگر است. بنابراین در الگوی حکمرانی خوب، کارکرد و ماهیت دولت به‌عنوان نیرویی مزاحم، سلطه‌گر، انحصاری تغییر یافته و به جای آن کارکردی راهبردی، تسهیل‌گر و با ماهیتی تعاملی به خود می‌گیرد. این فرآیند تغییر مختص به دولت و حاکمیت نبوده و دو عرصه دیگر یعنی جامعه مدنی و بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد. بدین معنا که این دو حوزه نیز با هماهنگی و همساز نمودن تعاملات اجتماعی کارکردی مثبت و کیفی به خود گرفته و در نهایت با تلاقی و پیوند خروجی‌های این تعامل سه‌گانه، اعتماد و همکاری به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تقویت شده و در نتیجه برون‌داد آن را می‌توان گام برداشتن کلیت یک جامعه در مسیر توسعه ملی دانست. توسعه ملی را در اصطلاح، ارتقای توانمندی‌ها و ظرفیت مادی و معنوی نظام ملی و رسیدن به سطوح جدید پیچیدگی، نظم و نوآوری دانسته‌اند که از نظر اقتصادی، به معنای الزام افزایش تولید و افزایش رفاه اجتماعی و ایجاد عدالت اجتماعی تعریف کرده و از نظر فرهنگی آن را به معنای الزام به گذار از فرهنگ بسته و سنتی به فرهنگ باز عقلانی معنا کرده‌اند؛ اگر چه در برخی از متون و در برخی از مطالعات و تحقیقات حکمرانی خوب به معنی دولت خوب نیز تعریف شده است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف دانست؛ زیرا اندیشمندان علوم سیاسی بر این باورند که همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهم می‌باشند. اگر چه این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است؛ در همین راستا و در پاسخ به تقاضاهای روبه رشد برای تدوین معیار و مالک برای حکمرانی خوب، بر اساس تعریف برنامه توسعه ملل متحد و بیانیه بانک جهانی (۲۰۰۸)^۱ کشورها را رده‌بندی می‌کند. این رده‌بندی کشورها با توجه به مولفه و شاخص‌هایی همچون (مشارکت‌پذیری شفافیت، حاکمیت قانون، کنترل فساد، ثبات سیاسی و عدم خشونت، حق اظهار نظر، پاسخگویی، کارآیی و اثربخشی) اشاره دارد. (UNDP.۲۰۰۸: ۱۴۳).

۱. United Nations Development Program and World Bank Statement (۲۰۰۸)

مولفه‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه غرب

در خصوص مولفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی مطلوب موارد و مطالب مختلفی از سوی اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و علوم سیاسی مطرح شده است که برخی از مهم‌ترین آنها شامل موارد زیر است.

ویس (۲۰۰۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "حکمرانی خوب و حکمرانی جهانی" به شاخصه‌ها و مولفه‌هایی همچون: مشارکت‌جویی، اجماع‌گرایی، شفافیت، قانون‌گرایی و حاکمیت قانون، اثربخشی و کارآمدی، عدالت‌جویی، و توجه به درخواست‌های مردم اشاره کرده و مولفه‌های یاد شده را مهم‌ترین ملاک‌های حکمرانی خوب دانسته است (ویس، ۲۰۰۴: ۲۱۵). هاتر و همکاران (۲۰۰۵) نیز شاخص‌هایی مانند: مشارکت شهروندان، دولت‌محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را برای حکمرانی خوب معرفی کرده‌اند و معتقدند که به هر میزان در دستیابی به ویژگی‌های معرفی شده موفقیت حاصل شود، به حکمرانی خوب نزدیک می‌شود. آنها مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب را شامل: مشارکت شهروندان آزادی سیاسی، پایداری سیاسی، کارایی قضایی، کارایی اداری، فساد پایین، توسعه اجتماعی، توسعه انسانی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و مدیریت اقتصادی، می‌دانند (هاتر و همکاران، ۲۰۰۵: ۶۸). از نظر دیفرانتی (۲۰۰۶) حکمرانی خوب نحوه حکمرانی و کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت است که این نظریه بر دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگی آن تأکید دارد (به نقل از مقدری، ۱۴۰۰: ۶۹). دانیل کافمن (۲۰۰۷) در تحلیل و تبیین شاخص‌های حکمرانی مطلوب از منظر سیاسی به شش مولفه و شاخص: ثبات سیاسی و عدم خشونت، حق اظهار نظر و پاسخگویی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و کارایی و اثربخشی دولت، اشاره دارد (کافمن، ۲۰۰۷: ۳۱۵). کافمن بر این باور است در هر جامعه‌ای که از یکسو حاکمیت قانون برقرار باشد، میزان پاسخگویی مطلوب و اثربخشی دولت بالاست و از سوی دیگر اگر میزان فساد پایین، مقررات اضافی محدود، ثبات سیاسی بالا و خشونت کمتر باشد، شاهد تحقق حکمرانی خوب در آن جامعه هستیم (کافمن، ۲۰۰۷: ۳۱۸). کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (ESCAP) ۴ اصول مهم حکمرانی خوب و عوامل مؤثر در تقویت این اصول را تبیین کرده است که شامل: مشارکت، حاکمیت قانون،

۱. Weiss (۲۰۰۴)

۲. Hutter et al. (۲۰۰۵)

۳. Differanti (۲۰۰۶)

۴. Economic, Social Commission for Asia and the Pacific

شفافیت، پاسخگویی، انسجام و اجماع محوری، تساوی، کارآیی و اثربخشی است و بر این نکته تاکید دارد که فقدان بعضی یا تمامی این عوامل و شاخص‌ها به حکمرانی بد یا ضعیف می‌انجامد (۱۴۰-۱۳۹: UNDP.۲۰۰۸). کمیسیون حقوقی سازمان ملل ۱، طی قطعنامه شماره (۲۰۰۰/۶) ویژگی‌ها و شاخص‌های: شفافیت، مسؤلیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری را به‌عنوان مولفه‌های حکمرانی مطلوب مطرح کرده است و همچنین در قطعنامه شماره (۲۰۰۲/۷) با اصلاح و اضافه کردن این شاخص‌ها در قالب برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی (۲۰۰۸) سرانجام، شاخص‌های هشت‌گانه: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثربخشی و کارایی و مسؤلیت‌پذیری را به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی مطلوب تدوین کرده و به کشورهای عضو سازمان ملل پیشنهاد نموده است (۱۴۳: UNDP.۲۰۰۸)، که کماکان نیز به‌عنوان مهم‌ترین مولفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی عملکرد کشورها و دولت‌ها در حکمرانی مطلوب مورد تاکید و استفاده هستند. از منظر کمیسیون حقوقی سازمان ملل برنامه توسعه سازمان ملل و بانک جهانی این شاخص‌ها به شرح ذیل تعریف شده‌اند.

۱) مشارکت: مشارکت می‌تواند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد.

۲) حاکمیت قانون: حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در برگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (به‌ویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا شود. لازم به ذکر است که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام است.

۳) شفافیت: شفافیت، به‌معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه است. همچنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه‌های گروهی به‌راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود.

۴) پاسخگویی: پاسخگویی نهادها، سازمان‌ها و موسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضای خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود.

۵) شکل‌گیری وفاق عمومی: همانگونه که بیان شد، فراهم کردن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب است؛ حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی و عمومی به سمتی رهنمون شود که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار است.

۶) حقوق مساوی (عدالت): رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود؛ به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

۷) اثر بخشی و کارایی: از حکمرانی خوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. کارایی و اثربخشی در مقوله حکمرانی از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

۸) مسئولیت‌پذیری: مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مولفه‌های حکمرانی خوب به‌شمار آورد. در کنار موسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود مسئولیت‌پذیر باشند. باید عنوان کرد که اصول حکمرانی خوب به صورت زنجیرای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول است. برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد (UNDP، ۲۰۰۸: ۱۴۴-۱۴۵).



الگوی شماره (۱) مولفه‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه کمیسیون حقوقی سازمان ملل

حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام

لازم به ذکر است در ایران موضوع حکمرانی مطلوب، در سه دهه اخیر به‌ویژه در دهه گذشته به‌شدت مورد توجه محققان و اندیشمندان در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم سیاسی و همچنین سیاست‌مداران و مدیران و مسئولین کشور و از جمله رهبر معظم انقلاب بوده است و در همین راستا ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب تاکید زیادی بر موضوع "حکمرانی مطلوب" داشته ایجاد و گسترش حکمرانی مطلوب را یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و اهداف راهبردی نظام اسلامی در گام دوم انقلاب معرفی نموده اند و بر تدوین الگو و الگوی ایرانی اسلامی حکمرانی مطلوب در کشور اشاره و تاکید ویژه ای داشته اند (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

در این بخش از تحقیق در تبیین حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام با بررسی حکمرانی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم، از دیدگاه پیامبر اسلام (ص)، از دیدگاه امام علی (ع)، از دیدگاه امام خمینی (ره) و از دیدگاه رهبر انقلاب امام خامنه‌ای و جمع و تحلیل و تحلیل دیدگاه‌های ذکر شده به تبیین مولفه‌های و شاخص‌های حکمرانی مطلوب از منظر اسلام پردازیم.

حکمرانی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم

از دیدگاه اسلام حکمرانی و به تبع آن حکمرانی مطلوب و مولفه‌ها و شاخص‌هایش باید با درنظر گرفتن بسترهای توحیدی و معنوی آن تعریف و تبیین شود؛ نگاه اسلام به حکومت، نگاهی الهی است. نگاهی که با نگاه صرفاً "دنیامدارانه و قدرت‌محورانه تفاوت اساسی دارد. در منطق اسلام امام و حکمران امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنها است و اگر قرار است یکی از این دو (حکمران و مردم) برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است، نه توده محکوم برای حکمران؛ همچنین در نگاه اسلام حاکم، ولی امر و متصدی کارهای مردم است و مکلف به تکلیف الهی مهمی است و مردم باید با همه ارزش‌های مادی و معنوی و آرمان‌هایشان مورد احترام قرار گیرند از دید قرآن باید حکومت اسلامی تشکیل شود و حاکم اسلامی، اداره جامعه را بر عهده بگیرد تا این دستورات قرآنی ضمانت اجرا داشته باشد (خمینی، ۱۳۶۳: ۵۴). از نظر قرآن مهم‌ترین وظیفه و مسئولیت دولت و حکومت اسلامی برقراری نظم و امنیت و دفاع از جان و مال مردم و شهروندان است که این موضوع بارها در آیات مختلف از جمله در آیه ۲۵۱ سوره بقره آمده است: "پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داود (علیه السلام) امیر آنها جالوت را کشت و خدایش پادشاهی و فرزاندگی عطا فرمود و از آنچه می‌خواست بدو بیاموخت و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی‌انگیخت امنیت جان و مال تان در خطر بود و فساد روی زمین را فرا می‌گرفت، و لیکن خدا، خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است." این مضمون همچنین در آیه ۹۹ سوره یوسف و آیه ۲۴۶ تا ۲۴۸ سوره بقره نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

مبارزه با ظلم و ستم و ایجاد عدالت از دیگر مولفه‌های حکمرانی مطلوب از منظر قرآن کریم است در آیه ۸۷ سوره کهف آمده است "ذو القرنین به آن قوم گفت: اما هر کس (از شما) ظلم و ستم کرده او را به کیفر خواهیم رسانید و سپس هم که (بعد از مرگ) به سوی خدا بازگردد خدا او را به عذابی بسیار سخت کیفر خواهد کرد." نمونه این مضمون را نیز می‌توان در بسیاری از آیات از جمله آیه‌های ۷۸ و ۷۹ سوره یوسف و آیه ۸۸ سوره کهف، مشاهده کرد.

ایجاد شفافیت و جلوگیری از فساد و گسترش آن در جامعه نیز از دیگر مولفه‌های دولت اسلامی است که در قرآن کریم در آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره هود آمده است "و به سوی اهل مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمان‌ه و ترازو را کم مکنید؛ به‌راستی شما را در نعمت می‌بینم و از عذاب روزی فراگیر بر شما

بیمناکم؛ ای قوم من پیمانۀ و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید." همین مضمون را می‌توان در آیه ۱۵ سوره یوسف و در آیه ۲۰۵ سوره بقره نیز مشاهده کرد.

توجه به رفاه و آسایش جامعه و تدبیر امور اقتصادی از دیگر وظائف مهم حکومت اسلامی در حوزه حکمرانی مطلوب است در همین رابطه در آیه ۵۵ سوره یوسف آمده است (یوسف به شاه) گفت: "در این صورت مرا به خزانه‌داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم." این مضمون همچنین در آیه ۵۳ سوره نساء و آیات ۴۷ و ۴۸ سوره یوسف و آیه ۲۰۵ سوره بقره مورد تاکید قرآن کریم قرار گرفته است.

تقویت توان نظامی نیز از دیگر وظائف حکومت و از مولفه‌ها و شاخص‌های مهم حکمرانی مطلوب از منظر قرآن کریم است؛ خداوند در قرآن کریم و در آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال مسلمانان را به افزایش توان و قدرت نظامی امر می‌کند و می‌فرماید: برای آمادگی مقابله با دشمنان، هر چه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید و به این وسیله دشمن را بترسانید. حتی خداوند در این آیه مسلمانان را دعوت به انفاق در این راه می‌کند که نشانه این است که تقویت توان نظامی نیازمند حمایت همه جانبه مردم و حکومت است و در این خصوص در این آیه آمده است " هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را (که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد!) و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد!" همین مضمون در آیات مختلف از جمله آیه‌های ۵۹ و ۸۰ سوره انبیا صراحتاً "مورد تاکید قرار گرفته است.

بر اساس آنچه که آمد در یک جمع بندی می‌توان گفت که از منظر قرآن کریم مهم‌ترین مولفه‌های حکمرانی مطلوب به طور کلان و کلی شامل مواردی همچون: توحیدی و معنوی بودن، پاسداری از حقوق مردم، تاکید بر حق حاکمیت مردم بر حکومت نه حاکمیت حکومت بر مردم، احترام به مردم، برقرار نظم و امنیت و دفاع از جان و مال مردم و شهروندان، مبارزه با ظلم و ستم و ایجاد عدالت، ایجاد شفافیت و جلوگیری از فساد و گسترش آن در جامعه، توجه به رفاه و آسایش جامعه و تدبیر امور اقتصادی و تقویت توان نظامی، است.



الگوی شماره (۲) مولفه‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم

حکمرانی مطلوب از دیدگاه پیامبر اسلام (ص)

طرح مسئله (حسن الوالیه) که به معنای حکمرانی شایسته و خوب تعبیر می‌شود به زمان پیامبر اکرم (ص) یعنی ۱۴۰۰ سال پیش می‌رسد. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است امامت و رهبری شایسته نیست مگر برای کسانی که دارای سه ویژگی باشد "ورع و تقوایی که او را از ارتکاب گناهان باز دارد، حلم و بردباری که به وسیله آن خشم خود را کنترل کند و حکمرانی شایسته برای افراد تحت ولایتش به گونه‌ای که برای آنان پدری مهربان باشد (خمینی، ۱۳۶۳: ۴۰۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر شأن رسالت و ابلاغ پیام الهی، از جایگاه رهبری اجتماعی و سیاسی و به تعبیر قرآن از ولایت بر مؤمنان هم برخوردار بوده است (آیه ۶ سوره احزاب). پیامبر اکرم بر این باور بودند که کارآمدی حکومت به پذیرش مردم بستگی دارد و بدون خواست مردم، حاکمیت مشروع تحقق‌پذیر نخواهد بود، به‌ویژه آن‌که حاکمیت تحمیلی و استبدادی بر پایه متون و منابع اسلامی مشروع و جایز به‌شمار نمی‌رود؛ بر همین اساس بر بیعت کردن حاکمان با مردم بسیار تاکید داشتند (درخشه، ۱۳۹۷: ۲۲). رسول اکرم صلی الله علیه و آله حکومت اسلامی را بر اساس اصل مشارکت همکاری و تعاون بنیان گذارد و قرآن نیز این اصل را در دقیق‌ترین معانی خود

بیان کرد. حکومتی که خداوند در قرآن بدان توصیه کرد و رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را عملی ساخت (حسینی تاش، ۱۳۹۵: ۳۶). از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب حکومت‌داری چنین برمی‌آید که حکومت در اسلام دارای اهداف متعالی همچون: برقراری نظم و امنیت، تأمین نیازهای مادی و جسمی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، رشد و کمال معنوی و اخلاقی مردم، و برقراری عدالت، است (زارعی، ۱۳۹۹: ۶۷). بر اساس سیره حکومتی ده ساله پیامبر اسلام (ص) در مدینه می‌توان گفت که مهم‌ترین مولفه‌های حکمرانی ایشان در این دوره شامل مواردی همچون: قانون‌گرایی، فسادستیزی، شفافیت، رفق و مدارا، عدالت‌محوری، مشارکت‌طلبی، اثربخشی و پاسخگویی، بوده است (رخشانی، ۱۳۹۷: ۸۹).

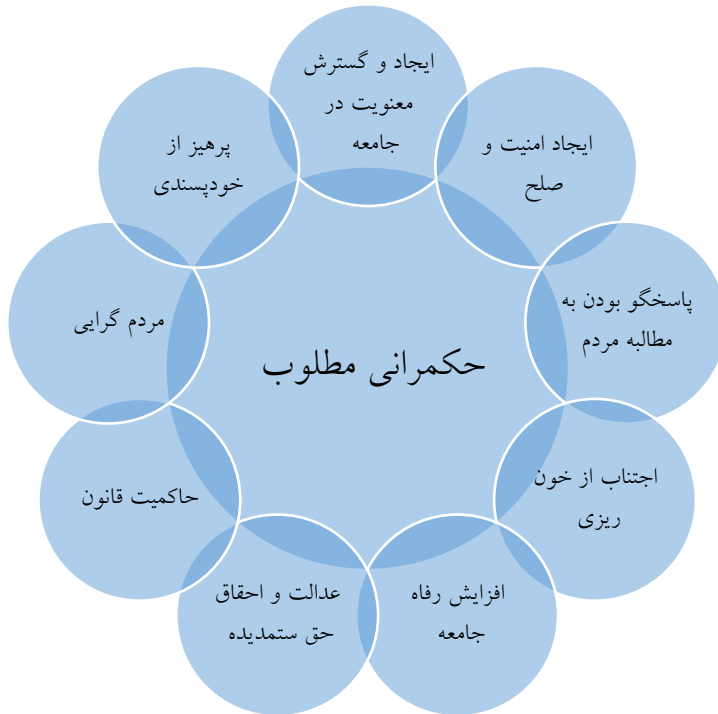
بر اساس آنچه که آمد در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که از دیدگاه پیامبر اسلام (ص) مهم‌ترین مولفه‌های حکمرانی مطلوب شامل مواردی همچون: توحید، تقوا، حلم و بردباری، پذیرش خواست مردم، استفاده از تعاون و مشارکت مردم، برقراری نظم و امنیت، تأمین نیازهای مادی و جسمی، تضمین آزادی‌های مشروع، رشد و کمال معنوی و اخلاقی مردم، برقراری عدالت، قانون‌گرایی، فسادستیزی و شفافیت، اثربخشی و پاسخگویی است.



الگوی شماره (۳) مولفه‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه پیامبر اکرم (ص)

حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام علی (ع)

حضرت علی (ع) در آغاز حکومت خود دلیل پذیرفتن آن مسئولیت بزرگ را گرفتن حق ستمدیده از ستمگر برشمرده و آن را پیمانی می‌داند که خداوند از عالمان گرفته است و در این خصوص می‌فرماید: "سوگند به خدایی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده است که اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود، یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم‌کشان خاموشی نگزینند، افسار شتر خلافت را بر گردنش می‌افکندم و رهایش می‌کردم" (نهج البلاغه، دشتی: ۳۰). بنابراین یکی از اهداف تشکیل حکومت و حکمرانی در اسلام، رسیدگی به حقوق محرومان و دفاع از مظلومان است. امام علی (ع) در نامه‌ای که در سال ۳۸ ه.ق برای مالک اشتر به مناسبت برگزیدن او به فرمانداری مصر نگاشته، یک منشور حکومتی ارائه کرده‌اند که به‌طور آشکار تمام اصول حکمرانی مطلوب در آن مشهود است؛ با مطالعه و تجمیع مولفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده در این نامه می‌توان به مواردی نظیر: مردم‌گرایی، هشدار به ریختن خون ناحق، پرهیز دادن از خودپسندی، عدم منت‌گذاری، شتاب‌زدگی و امتیازخواهی، توصیه به عفو و صلح میان مردم، شتاب‌ناداشتن در مجازات هنگام خشم، خود را امیر ندانستن، قطع ریشه هر دشمنی، وادار نکردن اطرافیان به ستایش و تملق‌گویی، یکسان قرار ندادن نیکوکار و بدکار، خشکاندن ریشه هرگونه خودخواهی، پاسخگو بودن به مطالبه مردم، جلوگیری از چپاولگری و بی‌انصافی خواص و خویشان و اجتناب از خونریزی و... اشاره کرد (حسینی تاش، ۱۳۹۵: ۳۸). حضرت علی (ع) در خصوص انگیزه و دلیل خود از پذیرش حکومت را چنین بیان می‌دارد: "پروردگارا تو می‌دانی آنچه ما انجام دادیم، نه برای این بود که ملک و سلطنتی به دست آوریم و نه برای این که از متاع پست دنیا چیزی تهیه کنیم، بلکه بدان سبب بود که نشانه‌های از بین رفته دینت را بازگردانیم و صلح و اصلاح را در شهرهایت برقرار و آشکار سازیم تا بندگان ستمدیده‌ات در ایمنی قرار گیرند و قوانین و مقرراتی که فراموش شده است، بار دیگر عملی شود" (نهج البلاغه دشتی: ۱۷۵) بنابراین با عنایت به آنچه ذکر شد از دیدگاه امام علی (ع) اهداف عالی حکومت از منظر دینی و به بیان دیگر مولفه‌های حکمرانی مطلوب شامل مواردی همچون: گسترش معنویت، ایجاد امنیت و صلح، پاسخگو بودن به مطالبه مردم، اجتناب از خونریزی، افزایش رفاه در جامعه، عدالت و احقاق حق ستمدیده، حاکمیت قانون، مردم‌گرایی، پرهیز از خودپسندی می‌باشند.



الگوی شماره (۴) مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام علی (ع)

حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) از جمله مدافعان شعار "سیاست ما عین دینت ما و دینت ما عین سیاست ماست که اسلام را تنها به احکام عبادی و شخصی مربوط نماینداستند؛ بلکه به عقیده ایشان احکام سیاسی اسلام به مراتب بیشتر از احکام عبادی آن است (خمینی، ۱۹۷۰: ۴۱). ایشان رسوخ اندیشه جدایی دین از سیاست در حوزه‌های علمیه و فضای حاکم در اوایل شروع نهضت خود را نه در متن و نص قواعد اسلامی بلکه حاصل خدعه و نیرنگ طرح‌های استعماری می‌دانست که به‌وسیله آن سیاست را از عالم دین جدا کردند تا بتوانند اهداف استعماری خود را دنبال کنند. وی در بیانی قاطع و محکم دربارهٔ ارتباط تنگاتنگ میان اسلام و سیاست بیان می‌کند: "والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کردند. سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می‌گیرد (امام خمینی، ۱۹۷۰: ۱۴۷) در دیدگاه امام خمینی (ره) نخست مشروعیت مقدم بر کارآمدی آن است و آنگاه امتزاج مؤلفه‌های حکمرانی خوب با دیدگاه‌های توحیدی معنویت‌گرایی انقلاب اسلامی، منبعث از اندیشه امام خمینی، به استقرار نوعی الگوی حکمرانی مؤثر، اخلاق‌مدار و

متعالی منجر شد که علاوه بر سعادت دنیوی، تضمین‌کننده سعادت آن‌جهانی را نیز است. از منظر امام خمینی هرچند مشروعیت مقدم بر کارآمدی است، با این حال، کارآمدی نظام سیاسی، ملاکی برای اثبات کارآمدی دین در عرصه عمومی به‌ویژه حکمروایی در عرصه ملی و فراملی است. ایشان همواره خواهان استقرار یک نظام عدالت‌خواه و عدالت‌گستر هم در عرصه نظام داخلی و هر در عرصه نظام بین‌الملل بودند و بر عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری به‌عنوان یکی از مولفه‌های اصلی حکمرانی مطلوب دینی تاکید داشتند (امام خمینی؛ ۱۳۵۶: ۱۳۷). در اندیشه سیاسی امام خمینی (به‌عنوان طراح نظام جمهوری اسلامی) مولفه‌های حکمرانی خوب نشأت گرفته از ایدئولوژی دینی و اسلامی بوده که با آموزه‌های قرآن و سنت و سیره پیامبر و ائمه اطهار بنیان نهاده شده است؛ ایشان در این خصوص به مواردی همچون: توجه به حاکمیت قانون، مشارکت مردم، عدالت‌جویی، اعتمادسازی و پاسخ‌گویی حکومت به مطالبات مردمی، به‌عنوان وظایف اصلی حکمرانی دینی تاکید داشته‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۵۴(۵۴)). امام خمینی در تبیین مشخصه‌های دولت و حاکمیت مطلوب اسلامی به‌کرات به مولفه‌های: توحید، برپایی شریعت اسلامی، قانون‌گرایی، جمهوریت و حق مردم در حکمرانی، جلب مشارکت عمومی، حفظ آزادی‌های مشروع مردم، رعایت و برقراری عدالت، نظارت و پاسخ‌گویی، رعایت مصالح و منافع عمومی، اشاره کرده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۸: ۶۴). بر اساس آنچه که آمد در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که از دیدگاه امام خمینی مهم‌ترین مولفه‌های حکمرانی مطلوب شامل مواردی همچون: توحید، برپایی شریعت اسلامی، عدم جدایی دین از سیاست، قانون‌گرایی، جمهوریت و حق مردم در حکمرانی، جلب مشارکت عمومی، حفظ آزادی‌های مشروع مردم، رعایت و برقراری عدالت، نظارت و کنترل، رعایت مصالح و منافع عمومی، اعتمادسازی، پاسخ‌گویی حکومت به مطالبات مردمی و مسئولیت‌پذیری است.



الگوی شماره (۵) مولفه‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره)

حکمرانی مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب همواره تاکید بسیاری بر حرکت حکومت اسلامی بر مدار مولفه‌های حکمرانی مطلوب داشته‌اند. ایشان اساس حکومت مطلوب اسلامی را توحیدمحوری دانسته و ایجاد حکومت توحیدی را مهم‌ترین هدف حکمرانی در نظام دینی و اسلامی می‌دانند (۹۸/۲/۱۸). امام خامنه‌ای معرفت به اسلام و تحقق احکام اسلامی را دو رکن اصلی حکمرانی می‌دانند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳۲۱). ایشان رعایت تقوا را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم در حکمرانی اسلامی معرفی کرده و آن را خط قرمزی می‌دانند که عدم التزام به آن می‌تواند حکمرانی اسلامی را به حکمرانی طاغوتی بدل کند (۱۳۹۸/۲/۲۴). ایشان مسئله اخلاق و اخلاق‌محوری را وجه تمایز حکمرانی اسلامی دانسته و بر این باورند که هدف اصلی حکومت اسلامی و حتی بعثت پیامبر اکرم (ص) گسترش اخلاق در جامعه بوده است (۱۳۹۹/۷/۲۵). رهبر انقلاب معتقدند در جامعه اسلامی، مردم باید در مرکز توجه قرار داشته باشند. از شاخص‌های اساسی در حکمرانی اسلامی آن است که مردم نقشی محوری و نه حاشیه‌ای را در جامعه ایفا کنند. علاوه بر تاکیدات ایشان در بیانات و سخنرانی‌ها، در رفتار و مشی خودشان نیز، اهتمام جدی به محور قرار گرفتن مردم در جامعه وجود دارد (زارعی، ۱۳۹۹: ۶۸). ایشان معتقدند که حکمران در جامعه اسلامی نباید خود را مسئول قشر یا دسته خاصی از مردم بداند و منافع و نظرات آن‌ها را در نظر بگیرد، بلکه باید با

نگاهی کلان و همه‌جانبه اهدافی را تعیین و پیگیری کند که سعادت همه مردم را دربر داشته باشد (۹۹/۹/۴). توجه به مردم و در نظر گرفتن حقوق ملت از ویژگی‌های دیگری است که حکمران اسلامی باید بدان آراسته باشد. در جامعه اسلامی نقش مردم بسیار مورد تاکید و توجه قرار دارد؛ بنابراین حکمرانی اسلامی مردمی است و با حمایت مردم امکان رشد و نمو پیدا می‌کند. با این نکات حکمران اسلامی باید چنان با مردم پیوند داشته باشد که همواره خود را از مردم بداند و حقوق آنان را در حد توان رعایت کند (۱۳۹۹/۱۰/۶). از دیدگاه ایشان حاکمیت مردم و استقرار مردم‌سالاری دینی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های حکمرانی مطلوب دینی است. ایشان بیانیه گام دوم انقلاب بر شاخص مردمی بودن حکومت و توجه ویژه حاکمان به رای و نظر مردم توجه ویژه‌ای داشته‌اند و دو مولفه دستیابی به عدالت و توزیع عادلانه فرصت‌ها برای همه آحاد مردم و همچنین تامین آزادی‌های مشروع، کارایی و اثربخشی اجرایی، کنترل فساد، قانون‌مداری، توجه به اصلاحات فرهنگی، توجه به معیشت مردم را مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی مطلوب دانسته‌اند (بیانیه گام دوم انقلاب).

بر اساس آنچه که آمد در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که از دیدگاه رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای مهم‌ترین مولفه‌های حکمرانی مطلوب شامل مواردی همچون: توحید محوری، معرفت به اسلام و تحقق احکام اسلامی، رعایت تقوا و اخلاق محوری، توجه به نقش محوری مردم و مشارکت آنان، قانون‌گرایی استقرار مردم‌سالاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و رعایت و برقراری عدالت، تامین آزادی‌های مشروع، کنترل فساد، کارایی و اثربخشی اجرایی، توجه به اصلاحات فرهنگی، توجه به معیشت مردم، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است.



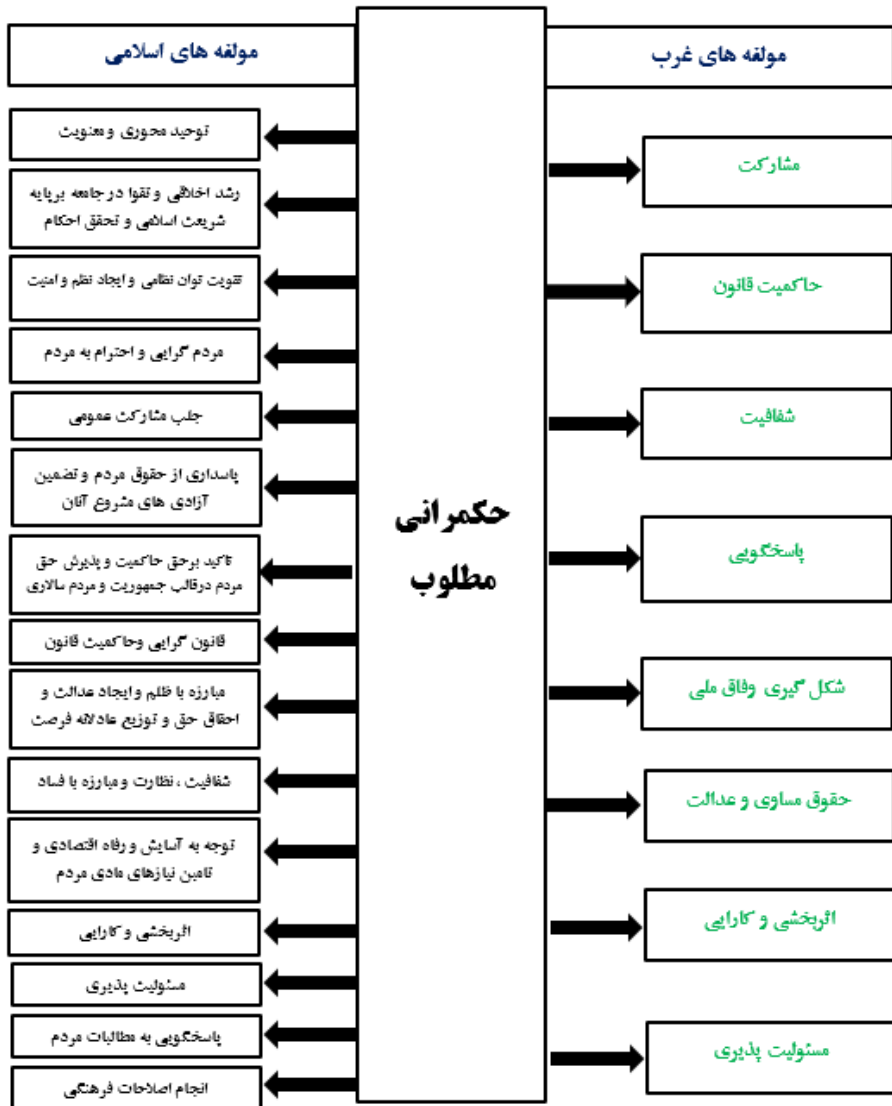
الگوی شماره (۶) مولفه‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری

جمع‌بندی مولفه‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام

بر اساس آنچه که در خصوص تبیین حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام با بررسی حکمرانی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم، از دیدگاه پیامبر اسلام (ص)، از دیدگاه امام علی (ع)، از دیدگاه امام خمینی (ره) و از دیدگاه رهبر انقلاب امام خامنه‌ای، ذکر شد و تجمیع و تحلیل دیدگاه‌های ذکر شده می‌توان گفت که مهم‌ترین و اساسی‌ترین مولفه‌های حکمرانی مطلوب از منظر اسلام شامل موارد: توحید و معنویت، رشد اخلاقی و تقوا در جامعه برپایه شریعت اسلامی و تحقق احکام اسلامی، تقویت توان نظامی و ایجاد نظم و امنیت، مردم‌گرایی و احترام به مردم، جلب مشارکت عمومی، پاسداری از حقوق مردم و تضمین آزادی‌های مشروع آنان، تاکید برحق حاکمیت و پذیرش حق مردم در قالب جمهوریت و مردم‌سالاری، قانون‌گرایی و حاکمیت قانون، مبارزه با ظلم و ایجاد عدالت و احقاق حق و توزیع عادلانه فرصت‌ها، شفافیت، نظارت و مبارزه با فساد، توجه به آسایش و رفاه اقتصادی و تامین نیازهای مادی مردم، اثربخشی و کارایی، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی به مطالبات مردم و انجام اصلاحات فرهنگی است.



الگوی شماره (۷) جمع‌بندی مولفه‌های کلی حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام



الگوی شماره (۸) الگوی تطبیقی مؤلفه های حکمرانی مطلوب از دیدگاه غرب و اسلام

دستاوردها، نتایج و پیشنهادات

با توجه به آنچه که ذکر شد و یافته های حاصل، می توان گفت که الگوی اسلام در خصوص موضوع حکمرانی مطلوب تمامی مؤلفه های حکمرانی مطلوب، مطرح شده از سوی اندیشمندان و

صاحب‌نظران غرب و از جمله الگوی ارائه شده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل^۱ (UNDP) و بانک جهانی (۲۰۰۷)^۲ شامل شاخص‌های هشت گانه (مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری) را دارا بوده و از این جهت به لحاظ تطبیقی دارای تشابه است به بیان دیگر الگو و الگو اسلامی حکمرانی مطلوب تمامی مولفه‌ها و شاخص‌های هشت گانه حکمرانی مطلوب مطرح شده از سوی نظریه پردازان، اندیشمندان و سازمان‌های بین‌المللی را در خود جای داده و بر این مولفه‌ها به‌عنوان و شاخص‌های حکمرانی مطلوب تاکید دارد و با آن همسو است. اما در عین حال علاوه بر شاخص‌های ذکر شده، حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام دارای مولفه‌های دیگری همچون: توحید و معنویت، رشد اخلاقی و تقوا در جامعه برپایه شریعت اسلامی و تحقق احکام اسلامی، تقویت توان نظامی و ایجاد نظم و امنیت، مردم‌گرایی و احترام به مردم، پاسداری از حقوق مردم و تضمین آزادی‌های مشروع آنان، تاکید برحق حاکمیت و پذیرش حق مردم در قالب جمهوریت و مردم‌سالاری، توجه به آسایش و رفاه اقتصادی و تامین نیازهای مادی مردم و انجام اصلاحات فرهنگی است که در الگوهای حکمرانی مطلوب، مطرح شده از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران غرب و از جمله الگوی ارائه شده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی، وجود ندارد. پس از این منظر، الگوی اسلام به لحاظ تطبیقی با الگوی غرب دارای تفاوت بوده و می‌توان گفت که الگوی اسلامی حکمرانی مطلوب به لحاظ مولفه‌ها و شاخص‌ها از جامعیت بیشتری برخوردار است؛ ضمن اینکه با عنایت به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که نظریه و رویکرد حکمرانی در هر یک از مکاتب، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی غرب و اسلام با اهداف، ویژگی‌ها و مولفه‌های خاص خود به تشریح و تبیین آن پرداخته‌اند. این دو پارادایم و دیدگاه مهم در عصر کنونی در عین مشابهت‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله برخی از مولفه‌ها و شاخص‌ها، با هم متفاوت بوده و تا حدودی در تقابل با یکدیگر نیز قرار داشته و با رویکردی متفاوت به امر حکمرانی نظر دارند. با نگاهی به تعریف حکمرانی مطلوب و همچنین مولفه‌ها و شاخص‌های آن، در دیدگاه غرب و اندیشمندان غربی با رویکردی صرفاً "انسان محور روبرو هستیم که با محوریت انسان به تعریف و تبیین حکمرانی مطلوب پرداخته‌اند؛ اما در پارادایم دوم یعنی دیدگاه اسلام، در تعریف حکمرانی مطلوب با نگاهی خدامحور و توحیدی روبرو می‌باشیم که با

۱. United Nations Development Program

۲. World Bank

ایدئولوژی مبتنی بر خدامحوری به تبیین حکمرانی مطلوب پرداخته است. مکتب انسان‌محور غربی در قالب اندیشه سیاسی دموکراسی لیبرالیسمی با هدف داشتن دنیایی خوب، حکمرانی خوب را پیشنهاد می‌کند که در نهایت فراهم کردن رفاه حداکثری در این دنیا برای افراد جامعه هدف آن است. اما در حکمرانی متعالی و مطلوب که مدنظر اسلام است، خداوند و توحید، محور تمام مباحث و رشد و تعالی مادی و معنوی انسان و هدف اصلی در این نوع حکمرانی است. در نگاه اسلام، حکمرانی وسیله‌ای است برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی، در نتیجه، عهده‌دار شدن حکومت در ذات خود مقامی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه در جامعه؛ اما در نگاه غربی هدف حکمرانی خوب به معنای توسعه، به‌ویژه در بُعد اقتصادی و مادی است؛ در حالی که هدف حکمرانی مطلوب در اسلام هدایت و سعادت جامعه بشری به‌عنوان نگاه و هدف متعالی و در عین حال رفاه عمومی به اندازه کفاف جامعه برای نیل به هدف اصلی است؛ به بیان دیگر رویکرد و هدف حکمرانی مطلوب در غرب صرفاً مادی و دنیوی است؛ ولی حکمرانی مطلوب در اسلام دیدگاهی فرامادی و فرا دنیوی داشته و پیشرفت عدالت‌محور جوامع را مقدمه سعادت اخروی افراد جامعه و کشورها می‌داند.

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- اسमित، برایان (۱۳۹۹). حکمرانی خوب و توسعه، ترجمه مرسته آدابی، تهران، نشر گسترش علوم پایه.
- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷). مجموعه سخنان امام خامنه‌ای در خصوص گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- بیور، مارک (۱۳۹۸). حکمرانی درآمدی بسیار کوتاه، ترجمه غلامرضا سلیمی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به نشانی www.khamenei.ir
- حسینی تاش، علی (۱۳۹۵). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، *فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۳ (۸).
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۹). حکومت اسلامی حکومت قانون، تهران، انتشارات فرهنگی.
- خمینی، روح الله (۱۹۷۰). ولایت فقیه، بیروت، لبنان، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله (۱۳۵۶). نامه‌ای امام موسوی کاشف‌الغطاء. بی‌نا. بی‌جا. ۳ مهر ۱۳۵۶.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۳). حکومت اسلامی، درسنامه اندیشه سیاسی اسلام، به همت احمد واعظی، قم، مرکز نشر مدیریت حوزه علمیه قم.
- درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۷). مولفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص)، فصلنامه پژوهش‌های علم و دین، ۹ (۱).
- رخشانی، حمید رضا (۱۳۹۷). حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام، تهران، نشر چشم انداز.
- زارعی، بهادر و همکاران (۱۳۹۹). مقایسه حکمرانی متعالی در اسلام و غرب، دومین همایش حکمرانی اسلامی.
- عجم اوغلو، دارون و همکاران (۱۴۰۱). در تکاپوی حکمرانی مطلوب، ترجمه مهدی مقدری، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- علیپور، بهنام (۱۳۹۹). حکمرانی خوب در پرتو برنامه توسعه ملل متحد(undp)، تهران، انتشارات صالحیان.
- قاسمی، غلامعی (۱۳۹۸). اصول حکمرانی مطلوب، رهیافت‌های قرآنی و حقوقی، قم، انتشارات دانشگاه قم.
- مقدری، مهدی (۱۴۰۰). حکمرانی خوب و توسعه، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- مقیبی مفرد، حسام (۱۳۹۶). حکمرانی مطلوب در پرتو حقوق بشر، تهران، پژوهشکده حقوقی شهر دانش.

ب) منابع انگلیسی

- Declaration of the (۱۹۹۵). World Summit for Social Development, United Nations Committee on Social and Political Affairs
- Farcheh, Louis (۲۰۰۰). Optimal Governance, Dos and Don'ts, Government and Development Studies Quarterly, Volume ۴۵, Issue ۸
- Gelbert, Jared et al. (۲۰۰۳). Basics and theories of optimal political governance, Quarterly Journal of Political Science and International Relations, Volume ۸, Number ۱۴
- Gerald and Caesar, (۲۰۰۳). Optimal Governance Approaches, International Relations Quarterly, Volume ۱۱, Number ۹
- Hutter et al. (۲۰۰۵). Hyde index of citizens' participation, central government, social development and economic management in good governance, Scientific Quarterly of Political Science, Volume ۳۶, Number ۱۱
- Kaufmann, Daniel.&(۲۰۰۶). Governance Matters V: Aggregate and Individual Governance Indicators for ۱۹۹۶- ۲۰۰۵, Washington: The World Bank.
- Kaufman Daniel (۲۰۰۷). Good Governance Indicators, Governance and Political Development Quarterly, Volume ۶, Number ۴۱
- United Nations Development Program (UNDP). (۲۰۰۸). Decentralised Governance for Development: A Combined Practice Note on Decentralisation, Local Governance and Urban/ Rural Development.
- UNESCO (۲۰۰۴). Globalization of Culture and Good Governance, United Nations, Volume ۳۱, Number ۲
- Waris, J. (۲۰۰۱). Principles of optimal political governance, England, London, University Press of Political Science and International Relations.
- Weiss J (۲۰۰۴). Good Governance and Global Governance, Harvard University Press, London, England.
- Weiss, Taylor and James Gasteau (۲۰۰۱). Global Program for Good Governance in Least Developed Countries, United Nations, Vol. ۷۸, No. ۵۱.

COPYRIGHT

© ۲۰۲۴ by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution ۴.۰ International (CC BY ۴.۰) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



